**ده کلام گهربار از حضرت فاطمه زهرا**

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

مَن اَصعَدَ إلَی اللهِ خالِصَ عِبادَتِهِ، اَهبَطَ اللهُ اَفضَلَ مَصلَحَتِه؛

هر کس عبادت خالص خود را به سوی خداوند بالا فرستد (و پیشکش آستان او کند)، خدا هم بهترین مصلحت خود را بر او فرو می فرستد.

مجموعه ورّام، ج 2، ص 108

**شرح حدیث:**

اگر گفته اند: «از تو حرکت، از خدا برکت» در زمینه ی مسائل عبادی و معنوی هم چنین است.  
خداوند عبادتهای ریایی و متظاهرانه را قبول نمی کند.اصلاً چنین عبادتی حالت «صعود» ندارد و بالا نمی رود و در حد و مرتبه ی زمین و مادیات و نفسانیات باقی می ماند.  
اما پروردگار خلوص در عبادت را می پذیرد و پاداش می دهد.  
اخلاص بالی می شود که اعمال را به پرواز در می آورد و تا عرش خدا می برد.کسی که بخواهد عبادتش پذیرفته ی خالق گردد، باید آن را به «اخلاص» مجهز کند تا زمینه ی صعود داشته باشد.  
خدا کریم است و به اقتضای کرم خویش آنچه را به مصلحت بنده ی مخلص خود بداند به او عطا می کند و از خزانه ی غیب و گنجینه ی جود خود به بنده اش ارزانی می دارد.  
انجام عمل خالص و عبادت بی ریا بسی دشوار است.  
عاملان گاهی در باتلاق ریا می افتند و اعمال گاهی به تظاهر و مردم فریبی و دنیاخواهی آلوده می شود.  
مخلصان هم به تعبیر روایات در «خطر عظیم» اند و ابلیس وسوسه گر پیوسته می کوشد تا نیتها را خراب و اعمال عبادی را آلوده به ریا کند.  
اگر بنده عبادت خالص به درگاه خدا بفرستد، او بهترین صلاح و مصلحت را به وی می بخشد.

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

جَعَلَ اللهُ...صِلَةَ الأرحامِ مَنشَأةً فیِ العُمرِ و مَنماةً لِلعَدَد؛

خداوند صله رحم و پیوند و نیکی به خویشاوندان را سبب طول عمر و مایه ی رشد تعداد آنان قرار داد.

العوالم، ج 11، ص 470

**شرح حدیث:**

در یکی از سخنان والای حضرت فاطمه (علیها السّلام) که به فلسفه ی تشریع برخی از احکام الهی و آداب و سنن دینی اشاره شده، حکمت وجوب صله ی رحم نیز افزایش عمر و تکثر و رشد خویشاوندان به شمار آمده است.  
صله ی رحم توصیه ی قرآن و سفارش پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم است.  
پیوند خویشاوندی از قوی ترین پیوندهاست.حفظ این رابطه و تقویت آن سبب می شود افراد فامیل از حال هم باخبر باشند، در غم و شادی شریک یکدیگر شوند و به همدیگر مساعدت و یاری برسانند.  
صله ی رحم عمر را طولانی و روزی را افزایش می دهد و موجب رضای خداوند است.صله ی رحم تنها رفت و آمد به خانه ی بستگان نیست، بلکه یاری و کمک به آنان و همدردی در سختیها و مشارکت در کارهاست.  
فرهنگ قرآنی با دعوت به این سنّت حسنه رشته های پیوند میان افراد را استوار می سازد. بدون آن افراد فامیل از هم بیگانه و بی خبر می شوند.  
و محبّتها نیز به تدریج کاسته می شود و روح همبستگی از بین می رود.  
این سنت شایسته و برنامه ی اجتماعی را پاس بداریم و به خویشاوندان رسیدگی کنیم و از حالشان بی خبر نباشیم.

1. مردی به زنش گفت:نزد فاطمه زهرا (علیها السّلام) برو و از او بپرس که آیا من از شیعیان شمایم؟ حضرت فاطمه (علیها السّلام) در پاسخ فرمود:

قُولی لَهُ:اِن کُنتَ تَعمَلُ بَما اَمَرناکَ و تَنتَهی عَمّا زَجَرناکَ عنهُ، فَأنتَ مِن شیعَتِنا، وَ إلاّ فَلا؛

به او بگو:اگر به آنچه تو را فرمان داده ایم عمل کنی، و از آنچه تو را از آن نهی کرده ایم بپرهیزی، تو از شیعیان مایی، وگرنه از شیعیان ما نیستی.

تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام ، ص 308

**شرح حدیث:**

شیعه یعنی پیرو.  
تشیع راهی نورانی است که از اعتقاد به امامت و پیشوایی امیرالمؤمنین علیه السّلام و عصمت اهل بیت پیامبر آغاز می شود و به تبعیت از گفته ها و پیروی از رفتار و اخلاق آنان منتهی می شود.  
امام صادق علیه السّلام فرموده است:برای ما زینت باشید، نه مایه ی عار و ننگ.  
این نشان می دهد که رفتار پیروان را به حساب آن پیشوایان می گذارند و ما با اعمالمان هم می توانیم آبرو بخش آن اسوه های پاک باشیم، هم اگر اعمال ما بد و گناه باشد، مایه ی شرمندگی و ناراحتی آنان شویم.  
شیعه بودن تنها به محبّت نیست.  
محبّت هم اگر واقعی و صادقانه باشد، انسان را به همرنگی و همراهی و تبعیّت می کشاند.  
اهل بیت پیامبر برای ما سرمشق و اسوه اند.  
به هر اندازه که در عمل به آنان شباهت داشته باشیم و به گفته هایشان عمل کنیم و از نهیهای آنان اجتناب ورزیم، به همان اندازه شیعه ایم.  
بعضی از شیعه بودن، تنها نام آن را دارند و در عمل هیچ شباهتی به آن عترت پاک ندارند.اگر چنین باشد، چگونه می توان خود را شیعه ی آنان دانست؟

1. وقتی پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم کارهای بیرون خانه را بر عهده ی علی علیه السّلام و درون خانه را بر عهده ی فاطمه (علیها السّلام) گذاشت، حضرت زهرا فرمود:

فلا یَعلَمُ ما دَخَلَنی مِنَ السُّرورِ اِلاّ اللهُ بِاِکفائی رَسُولُ الله صلّی الله علیه و آله و سلّم تَحَمُّلَ اَرقابِ الرَّجالِ؛

جز خدا کسی نمی داند چه قدر از این تقسیم کار و این که پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم مرا از شانه به شانه شدن با مردان (و کارهای بیرون از خانه) معاف کرد، خوشحال شدم.

وسائل الشیعه، ج 14، ص 123

**شرح حدیث:**

اگر ارزنده ترین گوهر زنان «حجاب و عفاف» است، باید از این گوهر حفاظت کرد.  
رعایت حدود شرعی روابط میان زنان و مردان و پرهیز از اختلاطهای مسأله ساز و همسخن شدنهای وسوسه انگیز و برخوردهای خارج از ضوابط و اصول اخلاقی برای یک مسلمان تکلیف است و هر چه این حدود شرعی بیشتر مراعات شود، به سود جامعه و بانوان و جوانان است.  
گرچه کار در بیرون از خانه و شرکت در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی و تحصیلی و دانشگاه و...برای زنان و دختران حرام نیست، هنر اصلی زنان ایفای نقش مادری و تربیت فرزند و مدیریت امور خانه است.  
شرکت در فعالیتهای بیرونی، خواه و ناخواه، برخورد زن و مرد نامحرم و تلاقی نگاهها را در پی دارد و اگر بشود از آن کاست، بهتر است.  
پرهیز از معاشرت با نامحرمان از آن جهت مطلوب است که زمینه ی بهتری برای حفظ عفاف فراهم می آورد.  
حضرت زهرا (علیها السّلام) خوشحال شد که امور بیرون از خانه بر دوش علی علیه السّلام قرار گرفت و کارهای داخل خانه بر عهده ی خودش تا نیاز به بیرون رفتن نباشد.  
این خطّ کلی راهی فاطمی است و رضای او را تأمین می کند.

1. از دعاهای حضرت فاطمه (علیها السّلام) در روز پنج شنبه:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ الهُدی وَ التُّقی وَ العِفافَ وَ الغِنی والعَمَلَ بِما تُحِبُّ وَ تَرضی؛

خدایا! از تو می خواهم هدایت و تقوا را، عفاف و بی نیازی را، و عمل به آنچه را تو دوست داری و می پسندی.

بحارالانوار، ج 87، ص 339

**شرح حدیث:**

همه به «هدایت» خدا محتاجند.  
این که هر روز در نماز تا چندین بار از خدا می خواهیم تا ما را به «راه راست» هدایت کند، دلیل این نیاز است.  
هم به هدایت نیاز داریم، هم به تقوا که ذخیره ی دنیا برای آخرت و ره توشه ی سفر ابدی است.  
عفاف و پاکدامنی و غنا و بی نیازی خواسته ی دیگر حضرت زهرا (علیها السّلام) است.  
در عمل یک مسلمان آنچه ملاک است، «قبول» خداوند است.  
وقتی کار ارزش دارد که خدا دوست بدارد و بپسندد.  
خدا بندگان متّقی و فرمانبردار و شاکر و نیکوکار را دوست می دارد.  
از صالحانِ مخلص و انفاق کنندگان بخشنده و عابدان بی ریب و ریا راضی است.  
دانستن این که چه کاری محبوب یا منفور خداوند است، یک گام است و عمل بر طبق رضای او و پرهیز از آنچه در نظرش ناپسند است، گام دیگر.  
خدایا چنان کن سرانجام کار   
تو خشنود باشی و ما رستگار  
توفیق چنین رفتاری را هم باید از خدا طلبید و هم هدایت به آنچه را که موجب رضای اوست.

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

حُبِّبَ اِلَیَّ مِن دُنیاکم ثَلاثُ:تِلاوَةُ کِتابِ اللهِ، وَ النَّظَرُ فی وَجهِ رَسُولِ اللهِ، وَالإنفاقُ فی سَبیلِ الله؛

از دنیای شما سه چیز در نظر من دوست داشتنی است:خواندن کتاب خدا، قرآن، نگاه به سیمای رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم، انفاق در راه خدا.

وقائع الایّام، حدیث 295

**شرح حدیث:**

از نگاه عارفان بصیر دنیا گذرگاهی به سوی آخرت جاوید است.  
پس نباید دل به آن بست و دنیا را دوست داشت.  
ولی همین دنیای نکوهیده و فریب دهنده و بی وفا می تواند وسیله ی آباد ساختن آخرت و تأمین سعادت گردد، به شرط آن که انسان فریفته ی آن نشود و دل به آن نبندد و آن را وسیله و پلی برای رسیدن به بهشت قرار دهد.  
این سه چیز که در نظر دختر پیامبر محبوب و دوست داشتنی است، جلوه هایی است که انسان را آخرتی و بهشتی می کند.  
تلاوت کتاب خدا روشنگر دل و دیده است.  
قرآن حیات روشن دلهاست  
قرآن فروغ و شمع محفلهاست  
عطر دل انگیزش صفا دارد  
درسی ز اخلاص و وفا دارد  
انس با این کتاب مقدس و خواندن آیات وحی رشته های وابستگی به دنیا را قطع می کند و مسلمانان را آخرتی می سازد.  
نگاه به چهره ی نورانی و الهی حضرت رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم نیز، وابستگیهای مادی را می کاهد و عشق به آخرت را در دل پدید می آورد.  
انفاق در راه خدا نیز نشان وارستگی انسان از وابستگی به مادیات است و با انفاق خالصانه و بی ریا می توان بهشت را خرید و به رضای خدا رسید.  
اگر این سه چیز از این دنیای دون در نظر حضرت فاطمه (علیها السّلام) دوست داشتنی است، برای پیروان او نیز می تواند سرمشق و الگو باشد.  
خوشا آنان که «دنیا» را وسیله ی سعادت «آخرت» می سازند.

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

فَبِعَینِ اللهِ ما تَفعَلونَ، و سَیَعلَمُ الذین ظَلَمُوا اَیَّ مُنقَلبٍ یَنقَلِبونَ، وَ أنا اِبنَةُ نَذیرٍ لَکُم بَینَ یَدَی عَذابٍ شَدیدٍ؛

آنچه انجام می دهید در برابر چشم خداست. ستمگران به زودی خواهند دانست که به سرانجامی می رسند، و من دختر کسی ام که شما را از عذاب سخت خداوند بیم می داد.

الاحتجاج طبرسی، ج1، ص 141

**شرح حدیث:**

این کلمات تهدید آمیز و انتقادی به زمانی برمی گردد که فاطمه ی زهرا (علیها السّلام) پس از وفات پیامبر و بد عهدی مردم و سستی آنان در حمایت از حق و پشتیبانی از اهل بیت عصمت علیهم السّلام به مسجد مدینه رفت و آن خطبه ی معروف را پس از غصب فدک و خانه نشین ساختن امیرالمؤمنین و جفا بر اهل بیت علیه السّلام ایراد کرد.  
انتظار آن بود که به وصایای پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم، چه درباره ی امامت حضرت علی علیه السّلام چه نسبت به مودّت ذی القربی و حفظ حرمت آن حضرت و چه پیروی از عترت حضرت رسول توجه شود، ولی دنیاخواهی وجاه طلبی، چشمهای عده ای را بست و کارهایی کردند که مایه ی رنجش دختر رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم شد.  
حضرت فاطمه (علیها السّلام) هم خدا را به یاد آنان می آورد که بدانند کارهایشان زیر نظر خداوند است و روزی باید پاسخگو باشند، هم فرجام تاریک و سرنوشت دردناکی را که خدا برای ستمکاران مقدّر کرده، به یادشان می آورد و هم یادآوری می کند که وی دختر آن پیامبر بزرگ است که مردم را از عذاب خدا بیم می داد.  
همه ی این تذکّرها و هشدارها برای بیدار کردن جامعه و متذکر ساختن آنان نسبت به مسؤولیتهای آنان است تا حجت بر آنان تمام شود و فردا نگویند که کاش کسی به ما می گفت و یادآوری می کرد.

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

ما جَعَلَ اللهُ لأحَدٍ بَعدَ غدیرِ خُمٍّ مِن حُجَّةٍ وَ لاعُذرٍ؛

خداوند پس از «غدیر خم» برای هیچ کس حجّت و عذر و بهانه ای قرار نداده است.(و غدیر خم روز اتمام حجت خدا بر همگان است.)

نهج الحیاة، ص 42

**شرح حدیث:**

نظام اسلامی و رهبری دینی بر مبنای «شایسته سالاری» است.  
امامت امیرالمؤمنین علیه السّلام که از سوی خداوند قرار داده شده است، به خاطر فضایل و کمالات و علم و ایمان و لیاقتهای آن حضرت برای جانشینی پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود.  
پیامبر در طول بیست و سه سال دعوت بارها شایستگی علی علیه السّلام را برای امامت بیان کرده بود، آن هم با تعبیرهای مختلف. او را «امام»، «خلیفه»، «وصیّ»، «هادی»، «امین»، «ولیّ»، «مولا» و «سرور هر زن و مرد مسلمان» معرفی کرده بود.  
امّا...حادثه ی غدیر، روشن ترین شیوه و مؤثرترین اعلان عمومی بود که آن حضرت در جمع بیش از صد هزار مسلمان که از حج بر می گشتند، در منطقه ی «غدیر خم» به فرمان خداوند علی علیه السّلام را به جانشینی خود و به پیشوایی مردم معرفی و تعیین کرد.  
این کار به فرمان خدا صورت گرفت.  
آیه ی قرآن نازل شد و آن روز را روز اکمال دین و اتمام نعمت نام نهاد.  
همه سخنان پیامبر را که فرمود:«مَن کُنتُ مَولاه فَهذا علیٌّ مَولاه» به روشنی شنیدند، به فرمان پیامبر، به خیمه ی علی علیه السّلام آمدند، به او به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام دادند و تبریک و تهنیت گفتند.  
دیگر برای هیچ کس هیچ عذر و بهانه ای باقی نماند.

1. حضرت فاطمه (علیها السّلام) فرمودند:

خَیرٌِّ للنِّساء اَن لایَرینَ الرِّجالَ وَ لا یَراهُنَّ الرِّجالُ؛

برای زنان بهتر آن است که نه مردان (نامحرم) را ببینند نه مردان آنان را.

العوالم، ج 11، ص 179

**شرح حدیث:**

رابطه ی زن و مرد در جامعه اگر با رعایت حدود شرعی و دینی باشد، هم جامعه سالم تر خواهد بود، هم گناه کمتری انجام خواهد گرفت.  
بسیاری از اوقات «نگاه» زمینه ساز «گناه» می شود و میان نگاه و گناه رابطه است و اگر مسلمان به توصیه ی قرآن عمل کند و زن و مرد نامحرم هنگام رویارو شدن چشم خود را فرو بندند، این به عفاف و سلامت روانی آنان بیشتر کمک می کند.  
روزی پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم با جمعی نشسته بودند.آن حضرت پرسید:به من بگویید چه چیزی برای زنان بهتر است؟ سخنانی گفته شد، ولی گویا هیچ کدام برای رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم پذیرفته نبود.  
علی علیه السّلام می فرماید:من نزد حضرت فاطمه (علیها السّلام) برگشتم و سؤال پیامبر را با او در میان گذاشتم.فرمود:برای زنان این بهتر است که مردان را نبینند و مردان هم آنان را نبینند (یعنی حفظ حجاب و عفاف و کنترل نگاه از حرام...)  
علی علیه السّلام این جواب را به پیامبر خدا گفت.حضرت پرسید:پیش من که بودی چنین چیزی نگفتی، چه کسی این را به تو خبر داد؟ گفت:فاطمه.رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم آن حرف را پسندید و خوشحال شد و فرمود: فاطمه پاره ی تن من است.  
آنان که خود را پیرو حضرت زهرا (علیها السّلام) می دانند، توجه دارند که نظر او بر اختلاط کمتر زن و مرد نامحرم و پرهیز از برخورد نگاههاست.

1. حضرت زهرا (علیها السّلام) به یکی از بانوان فرمود:

اَرضی اَبَوَی دینکِ محمداً و علیّاً بِسَخَطِ اَبَوَی نَسَبِکِ ولا تُرضی اَبَوَی نَسَبِکِ بِسَخَطِ اَبَوَی دینکِ؛

پدران دینی ات، یعنی محمّد و علی علیه السّلام را راضی ساز، هر چند با ناراحتی پدر و مادر نسبی ات باشد، و پدر و مادر نسبی خود ر با خشم و نارضایتی پدران معنوی و دینی ات راضی نساز.

تفسیر امام حسن عسکری علیه السّلام ص 334

**شرح حدیث:**

حضرت محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم و حضرت علی علیه السّلام پدر معنوی مایند.حق تربیت و هدایت و پیشوایی بر گردن ما دارند و ما اگر امت شایسته ای باشیم، فرزندان روحی و معنوی آنان خواهیم بود.  
اطاعت پدر و مادر لازم است، اطاعت پیامبر و امام هم واجب.  
رنجاندن والدین گناه است، ناراضی ساختن امام و پیامبر هم حرام.  
اما...هنگام تعارض چه باید کرد؟  
یعنی اگر بخواهیم رضایت خدا و پیامبر و امام را جلب کنیم و به دستورهای دین عمل کنیم، پدر و مادر ناراحت می شوند. و اگر بخواهیم دل پدر و مادر را به دست آوریم و آنان از ما راضی باشند، گاهی این رضایت به قیمت گناه و ترک وظیفه ی دینی به دست می آید.  
در این گونه موارد، رضای پیامبر و امام مهم تر است.  
کاری کنیم که خدا و رسول از ما راضی باشند و کارمان بر طبق دین و قرآن و خواسته ی امام باشد، هر چند پدر و مادر از دست ما ناراحت و ناراضی شوند.  
برای یک مسلمان مکتبی مهم تر از هر چیز اطاعت اولیای خدا و کسب رضای آنان به وسیله ی عمل به فرمان پروردگار است.  
هرگز مباد که به خاطر دلخوشی پدر و مادر و فامیل و دوستان کاری کنیم که خدا و رسول و امام نمی پسندند و از آن نهی کرده اند.

منبع:حکمت های فاطمی (ترجمه و توضیح چهل حدیث از حضرت فاطمه (علیها السّلام) )، جواد محدثی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ سوم (1390)